

## نظام سیاسی شیعه در اندیشه شیخ مفید

نظام سیاسی به مثابه مجموعه روش‌ها و ابزارهای يك جامعه برای ساماندهی زندگی سیاسی و شکل‌دهی به آن، در دیدگاه فقهی - سیاسی علمای شیعه در قالب نظام امامت و ولایت مطرح گردیده است.



نظام سیاسی به مثابه مجموعه روش‌ها و ابزارهای يك جامعه برای ساماندهی زندگی سیاسی و شکل‌دهی به آن، در دیدگاه فقهی - سیاسی علمای شیعه در قالب نظام امامت و ولایت مطرح گردیده است. شیخ مفید نظام سیاسی مطلوب شیعه را در چارچوب ریاست امامی عادل بر امور دینی و دنیوی ترسیم کرده و بهترین الگوی این نظام را در عصر غیبت، ولایت از سوی فقهای مأذون از سوی امام و جامع شرایط دانسته است.

نویسنده: علی - خالقی

منبع: فصلنامه - علوم سیاسی - 1383 - شماره 27، پاییز - تاریخ شمسی نشر 1383/7/00

### مقدمه

قرن سوم و چهارم هجری به دلیل شرایط خاص سیاسی و فرهنگی حاکم بر جهان اسلام، نقطه عطفی در حوزه دانش سیاسی مسلمانان محسوب می‌گردد. در این دوره، شیعیان به سبب فضای باز سیاسی و فرهنگی ناشی از ضعف عباسیان و نفوذ امیران آل بویه در بغداد، برای اولین بار به عرصه رقابت فکری و عقیدتی آزاد با دیگر فرقه‌های اسلامی وارد شدند و با جمع‌آوری احادیث و تحلیل‌های شیعی از تاریخ سیاسی اسلام و بازبینی اندیشه‌های فقهی و کلامی، به نضج و گسترش دانش سیاسی شیعه پرداختند. شیخ مفید (336 - 413 ه. ق)، از متکلمان و فقیهان برجسته شیعه در این دوره، در پایه‌گذاری و رشد دانش سیاسی شیعه در قالب کلام و فقه سیاسی و فراهم ساختن زمینه برای تفریح اندیشه‌ورزان بعدی شیعه، نقشی کلیدی و اساسی داشت. این مقاله، ناظر بر اندیشه‌های فقهی - سیاسی ایشان در زمینه نظام سیاسی مطلوب شیعه می‌باشد.

### تعریف نظام سیاسی

نظام سیاسی به روش ویژه يك جامعه برای زندگی سیاسی و شکل‌دهی به آن، پسندهای اخلاقی، شکل حکومت و روح قوانین سیاسی حاکم بر جامعه اطلاق می‌شود. 1 بر این اساس، می‌توان مجموعه آرا و نظریه‌های فقهی و کلامی عالمان شیعه را در تبیین روش و سبک نظام‌دهی سیاسی به زندگی شیعیان و شکل‌دهی به آن و قوانین و مقررات مربوط به زندگی جمعی آنها و چگونگی حکومت و شکل‌دهی آن، تلاشی در جهت توصیف نظام سیاسی شیعه تلقی کرد.

### ضرورت نظام سیاسی

از نظر شیخ مفید، واژه #171& «امامت» به معنای خلافت، امارت و سلطنت، در تبیین نظام سیاسی شیعه و بیان ضرورت و انواع آن نقش محوری دارد، زیرا با امامت و ریاست است که مکلفان به صلاح و رستگاری دست یافته، از فساد و تباهی نجات می‌یابند، جنایتکاران تأدیب می‌شوند، گناهکاران توبه می‌کنند، گمراهان اصلاح می‌شوند، جاهلان تعلیم داده می‌شوند، غافلان آگاه می‌گردند، گمراهی‌ها تحذیر می‌شود، حدود اقامه می‌گردد، احکام میان اهل اختلاف اجرا می‌شود، امیران بلاد نصب می‌شود، مرزهای بلاد اسلامی ایمن می‌گردد، اموال مردم محافظت می‌شود و کیان اسلام مورد حمایت قرار می‌گیرد. 2 همه این‌ها همان نظام‌دهی سیاسی به جامعه مسلمانان است که عقلاً در هر جامعه انسانی لازم و ضروری دانسته‌اند. 3 با این بیان، روشن می‌شود که اساسی‌ترین دلیل شیخ مفید برای ضرورت يك نظم سیاسی در جامعه، همان صلاح و فساد مسلمانان است که به اعتقاد وی، با اجرای قوانین اسلام به دست يك رئیس عادل تأمین می‌گردد. 4

### انواع نظام سیاسی

از نظر شیخ مفید، در جامعه اسلامی برای تأمین صلاح و رستگاری مردم وجود نظام سیاسی ضرورتی مسلم است، چه به واسطه سلطان عادل محقق شود - که مطلوب‌ترین وجه است - و چه به واسطه سلطان غیر عادل تحقق یابد - که از باب اضطرار قابل قبول است. بر این اساس، نظام سیاسی در يك تقسیم‌بندی کلی به دو صورت قابل تصور است: یکی، نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ریاست سلطان عادل و افراد منصوب یا مأذون از سوی ایشان و دوم، نظام سیاسی مبتنی بر امامت و ریاست سلطان جائز و ولات ایشان. 5

در این نوشته نظام سیاسی مبتنی بر ریاست سلطان عادل و خاستگاه، شرایط، اختیارات و وظایف و چگونگی تداوم آن را در عصر

غیبت بر اساس دیدگاه شیخ مفید مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### نظام سیاسی مطلوب

مطلوب‌ترین نظام سیاسی از نظر شیخ مفید، نظام مبتنی بر ریاست و امامت کسی است که از سوی خداوند - عزوجل - مبعوث شود، احکام الهی را اجرا کند، حدود الهی را برپا دارد و شریعت آسمانی را نگه داشته، مردمان را بر اساس آن تأدیب و سیاست کند. 7 در این نظام، ریاست چنین فردی مقدم بر هر کس دیگر بوده و اطاعتش بر همگان واجب است. 8 بالاترین مصداق این گونه نظام سیاسی، نظامی است که پیامبری در رأس آن قرار گرفته باشد.

نظام مطلوب پس از پیامبر، نظام مبتنی بر ریاست امام عادل (سلطان عادل، ناظر بر امور مسلمانان و حاکم اسلامی) است: 9 امام کسی است که ریاست عامه مردم در امور دینی و دنیوی، به نیابت از پیامبر به او واگذار شده است. 10 امام جانشین پیامبر در اجرای احکام، اقامه حدود، حفظ شریعت و تأدیب و سیاست مردمان است. 11 اولین مصداق چنین نظامی از منظر شیخ مفید، نظام حکومتی امام علی‌علیه السلام است. 12 امام پس از امام علی‌علیه السلام، با روی کار آمدن معاویه و یزید همواره جباران بنی‌امیه، بنی‌مروان و بنی‌عباس بر مسلمانان حاکم شدند و مردم نیز تا قدرت و ریاست را در آنان جمع دیدند، اطاعتشان کردند و حتی از اولیای الهی و سلاطین عادل، کامل، حکیم و عالم روی‌گردان شدند، از این رو نظام سیاسی مطلوب شیعه مصداقی پیدا نکرد. 13 طبق نظر شیخ مفید در زمان حاضر نیز برترین نظام سیاسی، نظامی است که امام زمان (عج) در آن، والی خلق در جمیع امور دینی و دنیوی باشد، اما از آن جا که آن حضرت به دلیل کثرت دشمنان و قلت ناصران و یا به دلیل مصلحت دیگری از نظر پنهان است 14 و نظام سیاسی مبتنی بر حضور ایشان محقق نشده، از چندین طریق باید زندگی سیاسی شیعیان را در عصر غیبت ایشان نظام داد: یکی، از طریق تقیه و مدارا با سلاطین حاکم و دیگری، از طریق مراجعه به فقهای عادل و مأذون از سوی امام زمان (عج). از نظر شیخ مفید، تمامی اختیارات امام (عج) به فقهای عادل و مأذون از سوی ایشان تفویض شده و آنها در صورت تمکن می‌توانند به نیابت از سوی ایشان متولی همه اختیارات آن حضرت باشند. 15

#### خاستگاه مشروعیت نظام سیاسی مطلوب

یکی از سؤال‌های اساسی در بررسی نظام‌های سیاسی، منشأ مشروعیت قدرت سیاسی در آن نظام و چگونگی پذیرش حاکمان از سوی مردم و اطاعت از دستورهای صادره شده آنها می‌باشد. شیخ مفید درباره منشأ قدرت و مشروعیت دستورهای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه معصوم‌علیهم السلام می‌گوید: 16 پیامبر از سوی خداوند - عزوجل - ثابت الطاعة است و لذا، نیازی به بیعت یا اختیار و انتخاب از سوی دیگران ندارد» 17 و اطاعت از او بر همه واجب است. 18 پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، فقط ائمه‌علیهم السلام مشروعیت و استحقاق امامت و ریاست بر امت اسلامی را دارند و ایشان حجت خداوند در میان مردم محسوب می‌شوند. 19 ائمه معصوم‌علیهم السلام از سوی خداوند متعال و به نص الهی امامت و ریاست یافته‌اند و اطاعت از ایشان در ردیف اطاعت از خدا و رسول خداست، 20 بنابراین خاستگاه مشروعیت امامان بعد از پیامبر نص الهی بوده، نه انتخاب از سوی مردم که از این طریق امامت متحقق نمی‌گردد. 21 برای اثبات الهی بودن منشأ مشروعیت امام می‌توان به دلایلی استدلال کرد که عبارت‌اند از:

1. امام باید از عصیان و خطا معصوم باشد و ریاست فرد غیر معصوم بر مردم به سه دلیل فاسد است:  
الف) کسی که مرتکب گناه و خطا می‌شود و از حق و حقیقت غفلت می‌کند، خود نیازمند امام و رئیسی است که او را از غفلت‌هایش متنبه سازد و از کجی‌ها و اعوجاج‌هایش باز دارد؛ 22

ب) اگر امام مرتکب گناه و خطا شود، یا انکار او واجب است که در این صورت، منزلت‌اش در میان مردم ضایع شده و کسی از او اطاعت نخواهد کرد و یا انکارش واجب نیست که در این صورت، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط خواهد شد و این امر، باطل و نادرست است؛

ج) امام حافظ شرع است و اگر معصوم نباشد ممکن است در شرع دخل و تصرف کند. 23  
2. امام باید به جمیع علوم دین و حکم همه موضوعاتی که امت به آنها نیازمندند، عالم باشد و گرنه خود محتاج امام و رئیسی دیگر می‌شود و تسلسل باطل لازم می‌آید. 24

3. امام باید از همه مردم عصر خود افضل باشد 25، زیرا مقدم داشتن مفضول بر فاضل مخالف حکم عقل است و سیاست و تدبیر انسان کامل به وسیله انسان ناقص، خلاف حکم عقل است. 26 این امر از نظر شرع نیز پذیرفته شده نیست. 27

4. امام باید شجاع‌ترین، زاهدترین، صالح‌ترین، بصیرترین و حکیم‌ترین شخص در سیاست و تدبیر مردم باشد. 28 بسیاری از این شرایط نه به واسطه عقل و حدس، که از طریق اظهار معجزه یا نص از سوی کسی که به اُسرار آگاهی دارد، معلوم می‌گردد. 29 بنابراین، تنها راه مشروع تعیین امام، نص الهی است و انتخاب یا بیعت مردم طریق تعیین امام و مشروعیت بخشیدن به او نمی‌باشد. البته این، بدان معنا نیست که از نظر شیخ مفید، ریاست سلطان عادل به رضایت و مقبولیت مردم نیازی نداشته باشد، زیرا هم چنان که ایشان از امام صادق‌علیه السلام روایت کرده، امامت يك قوم بدون رضایت ایشان هرگز مطلوب نبوده و نیست. 30

این مبنای شیخ مفید در خصوص خاستگاه مشروعیت قدرت امامان در عصر غیبت نیز استمرار می‌یابد و در این عصر ریاست کسی مشروع است که عامل، عادل، عاقل، کامل و زاهد باشد. 31 بنابراین، با فقدان یکی از این شروط، مانند جهل به احکام یا عجز از اداره امور مردم، فرد به تصرف در امور مردم مجاز نخواهد بود. 32 ایشان در عصر غیبت تنها فقهای اهل حق (شیعه)، عادل و ذوی‌الرأی و العقل و الفضل را حاکمان مأذون از سوی امام عصر (عج) دانسته و معتقد است که اینان در صورت تمکن می‌توانند متولی همه آنچه سلطان اسلام در آنها ولایت دارد، باشند. 33 خلاصه این که از نظر شیخ مفید، تنها خاستگاه مشروعیت قدرت سلطان اسلام (پیامبر،

امام و فقهای مأذون از سوی ایشان) نص الهی است، نه انتخاب و اختیار مردم.

ولایت فقها و شرایط و اختیارات ولی فقیه

به اعتقاد شیخ مفید، مطلوب‌ترین نظام سیاسی در عصر غیبت نظام مبتنی بر ریاست حاکمان فقیه و عادل و مأذون از سوی امام زمان (عج) است. در این جا اصل ولایت، شرایط و اختیارات ولی فقیه و روابط متقابل مردم و ولی فقیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) ولایت فقهای شیعه در عصر غیبت

شیخ مفید ولایت فقیه را در ردیف ولایت سلطان عادل (امام) دانسته و در دایره مفهوم عام &#171;سلطان اسلام» قرار داده است<sup>32</sup> از این رو زمانی که از سلطان اسلام و گستره مسئولیت‌ها و اختیارات او سخن می‌گوید، به گونه‌ای مفهوم سلطان را تفسیر می‌کند که شامل فقیه جامع شرایط نیز می‌شود؛ برای نمونه، درباره اقامه حدود چنین می‌گوید:

أما إقامة الحدود فهو إلى سلطان الإسلام المنصوب من قبل الله تعالى و هم أئمة الهدى من آل محمد صلى الله عليه وآله و من نصوبه لذلك من الأمراء و الحكام و قد فوضوا النظر فيه إلى فقهاء شيعتهم<sup>33</sup>؛ اقامه حدود بر عهده سلطان اسلام منصوب از سوی خداوند متعال که ائمه هدی هستند و امیران و حاکمان منصوب از سوی ایشان است و نظارت بر اقامه این حدود [در عصر غیبت] به فقهای شیعه تفویض شده است.

ایشان در باب وصیت نیز با عبارتی عام، فقهای شیعه را در همه اموری که امام‌علیه السلام در آنها صاحب اختیار است، دارای ولایت می‌داند:

و إذا عدم السلطان العادل، كان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوى الرأى و العقل و الفضل أن يتولوا ما تولاه السلطان؛<sup>34</sup> زمانی که سلطان عادل حضور نداشته باشد، فقهای عادل، ذوی الرأى، عاقل و فاضل شیعه متولی آنچه ایشان در آن ولایت دارند، هستند. بیشتر محققان معاصر با استناد به این عبارت شیخ مفید، ایشان را از قائلان به اثبات همه اختیارات امام‌علیه السلام برای فقهای شیعه در عصر غیبت دانسته‌اند.<sup>35</sup>

ب) شرایط و صفات ولی فقیه

شیخ مفید در آثار خود<sup>36</sup> فقهایی را دارای ولایت می‌داند که از شرایط خاصی همچون فقاقت، عدالت، مأمون بودن، صاحب عقل و رأی و افضل بودن برخوردار باشد.

ظاهراً مراد ایشان از قید &#171;مأمون بودن» فراتر از عدالت است، چرا که از نظر ایشان برخی از کارها هر چند جایز و مباح است، مانع از دخالت فقیه در امور اجتماعی و اقتصادی می‌شود، از این رو فقیه جامع شرایط در باب ولایت و حکومت شرایطی افزون بر فقیه جامع شرایط در باب افتا و مرجعیت لازم دارد که از جمله آنها، مأمون بودن است.<sup>37</sup> قید &#171;عقل و رأی» نیز فراتر از شرایط عامه تکلیف بوده و برای خروج مجنون و دیوانه نیست، بلکه مقصود روشن‌بینی، تدبیر و زیرکی خاصی است که برای رهنمون جامعه لازم می‌باشد.<sup>38</sup>

ج) دامنه اختیارات ولی فقیه

شیخ مفید فقیه جامع شرایط را در ردیف حاکم و سلطان اسلام قرار داده و همان وظایف و اختیارات پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله و ائمه اطهارعلیهم السلام و نواب خاص ایشان را برای وی قائل شده و معتقد است که در صورت عدم حضور سلطان عادل (امام)، فقها در همه اموری که ایشان ولایت داشته‌اند، صاحب اختیارند و در صورت تمکن می‌توانند متولی همه این امور گردند.<sup>39</sup> دیدگاه شیخ مفید را درباره گستره اختیارات فقهای جامع شرایط در عصر غیبت می‌توان به دو طریق از آثار و افکار او استنباط کرد: یکی، مواردی که ایشان در آنها به اختیارات فقهای شیعه تصریح کرده است و دیگری، استدلال‌ها و عبارت‌هایی که از آنها صاحب اختیار بودن فقهای شیعه مانند سلطان اسلام (امام) استفاده می‌شود.

طریق اول: شیخ مفید در مواردی که صاحب اختیار بودن فقهای شیعه تصریح کرده که عبارت‌اند از:

1. اقامه حدود و تعزیرات: شیخ مفید در باب اقامه حدود و تعزیرات، فقیه جامع شرایط را همچون سلطان عادل (امام) صاحب اختیار دانسته، می‌گوید:

اقامه حدود بر عهده سلطان منصوب از سوی خدا (ائمه معصوم‌علیهم السلام) و منصوبین ایشان از امرا و حکام است. [در مرحله بعد از ایشان،] نظر درباره اجرای حدود به فقهای شیعه تفویض گردیده است.<sup>40</sup>

وی این وظیفه را حتی به دوران سلطه حاکمان جور نیز گسترش داده و معتقد است:

&#171;و؛ إذا تمکن الناظر من قبل أهل الضلال على ظاهر الحال من إقامة الحدود على الفجار و إيقاع الضرر المستحق على أهل الخلاف فليجتهد في إنفاذ ذلك فيهم فإنه أعظم الجهاد؛ هر فردی که بتواند با نفوذ در دستگاه جور به اقامه حدود بپردازد، باید تلاش کند این وظیفه را انجام دهد، زیرا این امر بزرگ‌ترین جهاد محسوب می‌شود.<sup>41</sup>

2. دریافت و جمع‌آوری زکات: شیخ مفید با لحاظ این وظیفه بر عهده فقیه جامع شرایط، او را در ردیف پیامبر و امام و نواب ایشان قرار داده، می‌نویسد:

فلما وجد النبي صلى الله عليه وآله كان الفرض حمل الزكاة اليه و لما غابت عينيه من العالم بوفاته صار الفرض حمل الزكات إلى خليفته فإذا غاب الخليفة كان الفرض حملها إلى من نصبه من خاصته لشيئته فإذا عدم السفراء بينه و بين رعيته وجب حملها إلى الفقهاء

المأمونین من أهل ولايته لان الفقيه أعرف بمواضعها ممن لا فقه له فی دیانتہ؛ زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در قید حیات باشد، واجب است که زکات به ایشان پرداخت شود و چون ایشان رحلت فرمودند، واجب است که زکات به جانشین آن حضرت داده شود و زمانی که جانشین پیامبر (ائمہ علیہم السلام) غایب باشد باید زکات به نواب خاص ایشان، و در صورت نبود ایشان، به فقهای عادل شیعه پرداخت گردد، زیرا ایشان دانایان به مواضع مصرف آن هستند. 42

3. قضاوت و داوری در میان مردم: از نظر اکثر فقهای شیعه، قضاوت و داوری در میان مردم در عصر غیبت، از اختیارات و وظایف مسلم فقهای جامع الشرایط است.

شیخ مفید در این باره می‌گوید:

و لهم [فقهای شیعه] ان یقضوا بینهم بالحق و یصلحوا بین المختلفین فی الدعاوی عند عدم البیّنات و یفعلوا جمیع ما جعل الی القضاة فی الاسلام لان الائمہ علیہم السلام قد فوضوا إلیهم ذلك عند تمکنهم منه؛ بر عهده فقهای شیعه است که بین مردم به حق قضاوت کنند و اختلافات آنها را اصلاح نمایند و همه آنچه را در اسلام بر عهده قاضی مسلمانان گذاشته شده انجام دهند، زیرا ائمہ علیہم السلام وظیفه قضاوت و داوری در میان امت را به ایشان تفویض کرده‌اند. 43

4. اقامه نماز جمعه و جماعات: شیخ مفید درباره اقامه نماز جمعه و جماعات که از اختیارات فقهای جامع الشرایط است، 44 می‌نویسد: فقهای شیعه در صورت تمکن و ایمن بودن از آزار و اذیت اهل فساد، 45 باید برادران دینی خود را به اقامه نمازهای پنج‌گانه و نماز عید و طلب باران و آیات جمع کنند. 46

5. اجرای وصیت کسی که وصی او مرده: یکی از مواردی که شیخ مفید در آن به اختیارات فقها به نیابت از امام تصریح کرده، اجرای وصیت کسی است که وصی او مرده است. وی می‌گوید:

اگر وصی کسی بمیرد، ناظر امور مسلمانان متولی اجرای وصیت بر حسب آنچه بر وصی واجب بوده، می‌گردد و ورثه خودشان نمی‌توانند متولی این کار شوند، و زمانی که سلطان عادل حضور نداشته باشد، بر فقهای اهل حق که صاحب رأی و عقل و فضل‌اند، لازم است که آنچه را در این باره سلطان متولی بود، بر عهده گیرند. 47

طریق دوم: از کلیت عبارتها و استدلال‌های شیخ مفید، صاحب اختیار بودن فقیه جامع الشرایط برداشت می‌شود. بر این طریق می‌توان چنین استدلال کرد:

1. شیخ مفید در اشاره به حاکم اسلامی از واژه‌های متعددی همچون سلطان، سلطان الزمان، سلطان عادل، امام، حاکم، حاکم مسلمین و ناظر بر امور مسلمین 48 بهره برده و در همه آنها، مقصود واحدی را اراده کرده؛ یعنی همه آنها را به صورت واژه‌های هم‌نشین به کار گرفته است. 49

2. وی در موارد مختلفی به صراحت، فقهای جامع الشرایط را هم‌ردیف سلطان، حاکم، ناظر بر امور مسلمین و... قرار داده است. 50 با توجه به دو مقدمه مذکور می‌توان استدلال کرد در مواردی هم که شیخ مفید یکی از این واژه‌ها را به طور عام به کار برده و به اختیارات فقیه جامع الشرایط تصریح نکرده و در عین حال صاحب اختیار بودن ایشان را نیز نفی نکرده، وی را در شمول این واژه عام قرار داده و اختیارات حاکم اسلامی را درباره ایشان نیز ثابت دانسته است. از این رو می‌توان مواردی را به اختیارات فقهای جامع الشرایط افزود که عبارت‌اند از:

1. سرپرستی ایتمام و محجورین: این مورد را معمولاً همه فقهای شیعه از باب امور حسبیه، از اختیارات قدر متیقن فقهای جامع الشرایط دانسته‌اند. شیخ مفید در این باره می‌گوید:

و لحاکم المسلمین أن یوکل لسفہائهم و ایتمامهم من یطالب بحقوقهم و یحتجّ عنهم و لهم؛ بر عهده حاکم مسلمانان است که برای سفها و ایتمام مسلم وکیلی تعیین کند تا حقوق ایشان را مطالبه کرده و از حقوق آنها دفاع نماید.

2. نظارت بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر: یکی دیگر از اختیارات حاکم اسلامی به خصوص در مراحل منجر به جرح و قتل، نظارت بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. شیخ مفید با اذعان به این نظر، می‌نویسد:

و لیس له القتل و الجراح إلا بإذن سلطان الزمان المنصوب لتدبیر الأنام؛ 52؛ امر و ناهی بدون اذن سلطان زمان نمی‌توانند برای نهی از منکر، کسی را مجروح یا به قتل برسانند.

3. اجبار محتکر به فروش کالای احتکار شده: شیخ مفید اجبار محتکر به فروش کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم را به طور عام از اختیارات سلطان اسلام شمرده، می‌نویسد:

و للسلطان أن یکره المحتکر علی إخراج غلته و بیعها فی أسواق المسلمین إذ کانت بالناس حاجة ظاهرة و له إلیها و له أن یسعرّها علی ما یراه من المصلحة و لا یسعرها بما یخسر أربابها فیها؛ 53؛ بر سلطان لازم است که در صورت نیاز مردم، محتکر غلات را به خارج ساختن غلات و فروش آنها در بازار مسلمانان مجبور کند و بر حسب مصلحت، آن را قیمت‌گذاری نماید.

4. ولایت بر زنی که شوهر او غایب شده: اگر شوهر زنی غایب شود و او سرپرستی نداشته باشد، باید به سلطان زمان مراجعه کند. سلطان به کسب خبر از شوهر او در شهرهای مختلف می‌پردازد و چهار سال منتظر او می‌شود، اگر خبری به دست آمد او را به پرداخت

نفقه یا جدایی ملزم می‌کند و در صورت عدم کسب خبری، پس از سپری شدن عده وفات، اجازه ازدواج را برای او صادر می‌کند. 54

5. نظارت بر اموال و اشخاص گم‌شده (لقیط) و نگهداری از آن: شیخ مفید درباره نظارت بر لقطه و نگهداری از آن به عنوان یکی از اختیارات حاکم اسلامی، می‌نویسد:

اگر انسان، لقیط حرّی را پیدا کند باید خبر آن را به سلطان اسلام بدهد تا او از بیت‌المال، نفقه او را بپردازد. 55

ایشان همچنین درباره عبد و حیوان گم شده می‌نویسد:

اگر کسی عبد و حیوان لقطه را پیدا کند باید خبرش را به سلطان اسلام برساند تا او نفقه آنها را از بیت‌المال بپردازد. 56

در همه مواردی که ذکر شد، شیخ مفید واژه‌های سلطان، سلطان اسلام، سلطان زمان، سلطان عادل، امام و حاکم اسلامی را هم‌ردیف، و در مقابل سلطان جور به کار برده و اجرای احکام و اختیارات را مختص به زمان خاصی نکرده است. بنابراین، در عصر غیبت تنها مصداق سلطان اسلام و واژه‌های هم‌ردیف آن، فقهای جامع‌الشرایط شیعه هستند و به تعبیر آقای آذری قمی، از نظر شیخ مفید در عصر غیبت سلطان جز فقیه نمی‌تواند باشد، چون ایشان دیگران را سلطان نمی‌داند. 57 به تعبیر شیخ مفید، تنها فقیهان هستند که در صورت تمکن و ایمن بودن از ضرر می‌توانند عهده‌دار تمامی اختیارات سلطان اسلام و متولی همه اموری شوند که ایشان در آنها ولایت دارد. 58

#### چگونگی تعامل مردم و حاکمان اسلامی

بر اساس روایتی که شیخ مفید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، همه مؤمنان برادران و خواهرانی هستند که نیاز بعضی از آنها به وسیله بعضی دیگر برآورده می‌شود. 59، بنابراین در ادبیات سیاسی اسلام، رابطه دو سویه‌ای میان حاکمان و مردم ترسیم شده و برای هر کدام حقوق و وظایفی در قبال دیگری معین گردیده است.

#### الف) وظایف حاکمان اسلامی در قبال مردم

آن چنان که شیخ مفید از امام علی علیه السلام نقل کرده، هدف از حکومت و ریاست در اسلام برپا داشتن حق و از بین بردن باطل است. 60 به نظر شیخ مفید، اساساً به منظور نزدیک کردن مردم به صلاح و رستگاری و دور ساختن آنها از فساد و تباهی، امامت ضرورت می‌یابد. امامت مسئولیت و رسالتی خدایی است، نه امتیاز و برتری بر مردم. امامت باید همواره در مسیر الهی قرار گیرد، به همین دلیل است که خداوند متعال پس از اعلام خلافت و حکومت به حضرت داود علیه السلام، او را به پرهیز از تبعیت هوا و هوس در این کار امر فرمود. 61

به تعبیر شیخ مفید، خداوند متعال حضرت داود علیه السلام را بدین جهت از هوا و هوس در امر حکومت و خلافت برحذر داشت تا در امر حکومت و خلافت مسیر خدایی گمراه نشود. 62 و آن را وسیله‌ای برای ارضای خواسته‌های نفسانی خود قرار ندهد. بر این اساس، ایشان همه حاکمان اسلامی را در رفتار با مردم به لزوم رعایت نکاتی توصیه می‌کند:

1. در نظر گرفتن رضایت خداوند متعال؛ 63
2. تأمین مصلحت دینی و دنیوی مردم؛ 64
3. رعایت عدالت در میان مردم؛ 65
4. اجتناب از تحکم و زورگویی به مردم. 66

#### ب) وظایف مردم در برابر حاکمان اسلامی

1. شناخت امام و اعتقاد به وی: در ادبیات سیاسی شیعه، اولین وظیفه‌ای که برای مردم در قبال حاکمان بیان شده، لزوم معرفت و شناخت امام بر حق است. شیخ مفید بارها این وظیفه را خاطر نشان کرده، می‌گوید: *يجب علی کل مکلف أن يعرف إمام زمانه و يعتقد إمامته*؛ 67 بر هر مکلفی واجب است که امام زمان خویش را بشناسد و به امامت او اعتقاد داشته باشد.

به اعتقاد شیخ مفید، این يك # 171؛ فرض لازم بلکه از مؤکدترین فرایض اسلام است؛ 68، چرا که قرآن کریم در آیات & # 171؛ یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و أُولی الأمر منکم» 69 و & # 171؛ یوم ندعوا کل اناس یامهم فمن أوتی کتابه بیمینه فأولئک یقرءون کتابهم و لا یظلمون فتیلاً» 70 معرفت امامان را بر مردم واجب فرموده است. 71 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: *من مات و هو لا یعرف إمام زمانه مات میتة الجاهلیة*. به اعتقاد وی، این روایت تصریح دارد به این که هر کس امام زمان خود را نشناسد، خارج از اسلام است. 72 علاوه بر کتاب و سنت، مقتضای اجماع اهل اسلام و عقل و اعتبار نیز وجوب شناخت امام بر مردم می‌باشد. 73

2. فرمان‌بری و اطاعت از امام: از ثبوت امامت امام عادل، اساسی‌ترین وظیفه مردم اطاعت از دستوره‌های ایشان است. شیخ مفید با طرح این وظیفه در موارد مختلف، می‌گوید:

زمانی که امامت امامی بر کسی ثابت شد، اطاعت از او برای آن شخص واجب، و مخالفت با ایشان حرام است، زیرا خداوند متعال در آیه مبارکه & # 171؛ یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و أُولی الأمر منکم» اطاعت از ائمه علیهم السلام را در ردیف اطاعت از خود قرار داده و در نتیجه، نافرمانی از ایشان در حکم نافرمانی از خداوند قرار گرفته است، از این رو همه اهل قبله (مسلمانان) به حکم عقل و نقل بر فاسق و فاجر بودن محاربان با ایشان اتفاق نظر دارند. 74

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره اطاعت از امام عادل می‌فرماید: & # 171؛ اسمعوا و اطیعوا لمن و لاه الله الأمر فإینه نظام الإسلام». 75 امام علی علیه السلام نیز درباره لزوم اطاعت از امام عادل می‌فرماید:

ای مردم، شما بر همان چیزی که با خلفای قبلی بیعت کرده بودند، با من بیعت کرده‌اید. مردم قبل از این که بیعت کنند اختیارشان دست خودشان است، اما زمانی که بیعت کردند دیگر باید تسلیم امام باشند و امام هم باید بر بیعت ایشان پایدار بماند. این يك بیعت عمومی بوده و هر کس از آن برگردد، از اسلام برگشته است. 76

بنابراین، هم‌چنان که شیخ مفید با استناد به روایت مذکور بیان کرده‌اند، مردم پس از شناخت امام بر حق خود باید تنها از او اطاعت کنند و از هر گونه حاکم جاهل و متغلب روی گردان شوند، زیرا همان طور که امام باقر علیه السلام فرموده‌اند، خداوند متعال چنین

می‌فرماید:

لأعدّبن كل رعية في الإسلام اطاعة كل إمام ليس من الله و إن كانت الرعية بارّة تقيّة و لأعفون عن كل رعيته في الإسلام اطاعة كل إمام عادل من الله و إن كانت الرعية ظالمة مسيئة 77؛ هر رعيت مسلماني را كه از امام غير عادل و غير منصوب از سوى خدا اطاعت كند - هر چند رعيت خوب و متقى باشد - عذاب خواهم كرد و هر رعيتى مسلماني را كه از امام عادل و منصوب از سوى خدا اطاعت كند - اگر چه آن رعيت گناهكار و ظالم باشد -، خواهم بخشيد.

از نظر شيخ مفيد، اطاعت از حاكم اسلامى در عصر غيبت بر مؤمنان و پيروان ائمه عليهم السلام لازم و ضرورى است: &#171؛و يجب على إخوانه من المؤمنين معونته على ذلك». 78

3. خيرخواهى و نصيحت حاكمان: شيخ مفيد در بحث شورا، پيامبر و امام معصوم عليه السلام را به دليل وجود صفت عصمت در ايشان، از مشورت و نصيحت مردم بى‌نياز دانسته است 79، اما اولاً: سيره ايشان را در مشورت‌خواهى از مردم و پذيرش نصيحت و خيرخواهى در موارد مختلف، يادآورى کرده است؛ ثانياً: عدم ضرورت مشورت‌خواهى حاكم از مردم را تنها درباره حاكمان معصوم مطرح کرده و غير ايشان را بى‌نياز از آن ندانسته است و ثالثاً: با نقل روايات متعدد، &#171؛نصيحت ائمه مسلمين» را يکى از وظيف مردم دانسته 80 و انتقاد حاكمان از سوى مردم را هديه‌اى از جانب ايشان تلقى کرده است. 81

پى‌نوشت‌ها

1. لئواشتر اوس، فلسفه سياسى چيست؟، ص 38.
2. شيخ مفيد، الارشاد (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ج 2، ص 342.
3. همان.
4. ر. ك: شيخ مفيد، المسائل الجاروديه (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 44.
5. شيخ مفيد، الجمل (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 187.
6. شيخ مفيد، الفصول المختاره (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 249.
7. شيخ مفيد، اوائل المقالات (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 65.
8. شيخ مفيد، الافصاح (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 37.
9. شيخ مفيد، النكت الاعتقاديّه (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 39.
10. شيخ مفيد، اوائل المقالات، پيشين، ص 65.
11. شيخ مفيد، الارشاد، پيشين، ج 1، ص 5.
12. شيخ مفيد، الافصاح، پيشين، ص 44 - 45.
13. شيخ مفيد، النكت الاعتقاديّه، پيشين، ص 44 - 45.
14. شيخ مفيد، المقنعه، پيشين، ص 676.
15. شيخ مفيد، الفصول المختاره، پيشين، ص 249.
16. شيخ مفيد، الافصاح، پيشين، ص 37.
17. شيخ مفيد، المقنعه، پيشين، ص 32.
18. شيخ مفيد، المسائل العكبريه، (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413 ق) ص 46 - 47.
19. شيخ مفيد، الفصول المختاره، پيشين، ص 228؛ الافصاح، ص 27 و اوائل المقالات، پيشين، ص 40.
20. شيخ مفيد، النكت الاعتقاديّه، پيشين، ص 40 و المسائل الجاروديه، پيشين، ص 45.
21. همان.
22. شيخ مفيد، المسائل الجاروديه، پيشين، ص 31 و 45 و الارشاد، پيشين، ج 2، ص 182.
23. شيخ مفيد، الارشاد، پيشين، ج 2، ص 182.
24. شيخ مفيد، الافصاح، پيشين، ص 239.
25. شيخ مفيد، المسائل الجاروديه، پيشين، ص 45؛ اوائل المقالات، پيشين، ص 39 - 40 و الارشاد، پيشين، ج 2، ص 182.
26. شيخ مفيد، المسائل الجاروديه، پيشين، ص 31 و الافصاح، پيشين، ص 30 - 31.
27. شيخ مفيد، المسائل الجاروديه، پيشين، ص 46 و المسائل العكبريه، پيشين، ص 52.
28. شيخ مفيد، امالى (قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، 1413) ص 173: &#171؛ثلاثة لا يقبل لهم صلاة... رجلٌ أمّ قوماً و هم له كارهون».
29. شيخ مفيد، المقنعه، پيشين، ص 721 و الارشاد، پيشين، ج 2، ص 260.
30. شيخ مفيد، المقنعه، پيشين، ص 812.
31. همان، ص 676.
32. محمد سروش محلاتى، &#171؛شؤون و اختيارات فقيه از ديدگاه شيخ مفيد»، مجموعه مقالات كنگره شيخ مفيد، ص 31.
33. شيخ مفيد، پيشين، ص 810.
34. همان، ص 676.
35. براى نمونه، ر. ك: مرتضى حائرى، صلاة الجمعة (قم: انتشارات جامعه مدرسين، 1409 ق) ص 59 - 61؛ احمد آذرى قمى، ولايت

- فقيه (قم: دارالعلم، 1372) ص 184 و محمد سروش محلاتی، شؤون و اختیارات ولی فقیه، پیشین، ص 32-33.
36. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص 252 و 676؛ #171؛ فإذا عدم السفراء بينه و بين رعيته وجب حملها إلى الفقهاء المأمونين من أهل ولايته» و #171؛ كان لفقهاء أهل الحق العدول من ذوى الرأى و العقل و الفضل».
37. محمد سروش محلاتی، پیشین، ص 35.
38. همان.
39. شیخ مفید، پیشین، ص 675 - 676.
40. همان، ص 810.
41. همان، ص 812.
42. همان، ص 353.
43. همان، ص 811.
44. شیخ مفید، الاشراف (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413 ق) ص 24 - 25.
45. این عبارت شیخ مفید ملهم از وضعیتی بوده که بر عراق به ویژه بغداد آن روز حاکم بوده است و بارها گروه‌های مخالف متعصب مسجد ایشان را مورد حمله قرار می‌دادند.
46. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص 811؛ #171؛ و للفقهاء من شيعة الائمه عليهم السلام ان يجمعوا بإخوانهم في الصلوات الخمس و صلوات الأعياد و الاستسقاء و الكسوف و الخسوف، إذا تمكنا من ذلك و آمنوا من معرة اهل الفساد».
47. همان، ص 675 - 676.
48. برای نمونه، ر. ک: همان، ص 519، 537، 616، 669، 675، 781، 809، 810 و 816.
49. برای نمونه، ر. ک: همان، ص 781.
50. همان، ص 675 - 676.
51. همان، ص 816.
52. همان، ص 809.
53. همان، ص 616.
54. همان، ص 537؛ #171؛ و إذا غاب الرجل عن إمرأته غيبة لم تعرف فيها خبره... رفعت امرها الى سلطان الزمان ليبحث عن خبره فى الامصار فان عرفت له خبراً من حياة الزمه السلطان التفق عليها او الفراق...».
55. همان، ص 648.
56. همان، ص 649.
57. احمد آذرى قمى، ولايت فقيه، پیشین، ص 184.
58. شیخ مفید، پیشین، ص 675 - 676.
59. شیخ مفید، امالی، پیشین، ص 150: قال رسول الله: #171؛ المؤمنون إخوة يقضى بعضهم حوائج بعض».
60. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ج 1، ص 247.
61. ص (38) آیه 26.
62. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص 73.
63. شیخ مفید، امالی، پیشین، ص 269 و المسائل العشره (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413 ق) ص 113.
64. شیخ مفید، فصول المختاره، پیشین، ص 223.
65. شیخ مفید، امالی، پیشین، ص 269؛ الجمل، پیشین، ص 187؛ المسائل الجاروديه، پیشین، ص 44 و الارشاد، پیشین، ص 260 و 304.
66. شیخ مفید، امالی، پیشین، ص 173 و فصول المختاره، پیشین، ص 103.
67. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص 33.
68. شیخ مفید، الافصاح، پیشین، ص 28.
69. نساء (4) آیه 59.
70. اسراء (17) آیه 71.
71. شیخ مفید، پیشین، ص 28.
72. همان، ص 28 - 29.
73. همان.
74. شیخ مفید، الجمل و النصره لسيد العتره، پیشین، ص 92 - 93.
75. شیخ مفید، امالی، پیشین، ص 14.
76. شیخ مفید، الارشاد، پیشین، ص 243 - 244.
77. شیخ مفید، الاختصاص (قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413 ق) ص 259 - 260.
78. شیخ مفید، المقنعه، پیشین، ص 810.
79. شیخ مفید، الفصول المختاره، پیشین، ص 31 - 33.

80. شیخ مفید، امالی، پیشین، ص 187: قال رسول الله: &#171;ثلاثة لا يغفلّ عليهن قلب عبد مسلم: اخلاص العمل لله و النصيحة  
لائمة المسلمين و اللزوم بجماعتهم». .

81. شیخ مفید، الاختصاص، پیشین، ص 240: قال الصادق: &#171;أحبُّ إخواني إلى من أهدى إلى عيوبي». .